

## Typology of Propaganda Strategies Against the Explanatory Discourse of the Prophet of Islam (PBUH) in the Quran

Nasrazadani, reza <sup>1\*</sup>, Abadi, ahmad <sup>2</sup>, Sharif askari, Hossein <sup>3</sup>

<sup>1</sup> Ph.D. student in Qur'anic Sciences and Hadith, Faculty of Usul al-Din, Alameh Askari International University, Qom, Iran.

<sup>2</sup> Associate Professor, Department of Islamic Philosophy and Theology, Faculty of Theology, University of Qom, Iran.

<sup>3</sup> Assistant Professor, Department of Qur'anic Sciences and Hadith, Faculty of Usul al-Din, Alameh Askari International University, Qom, Iran.

Article information	ABSTRACT
Article type: Research Paper	In the theoretical framework of "cognitive warfare", propaganda is defined as a strategic process for managing perception and directing public opinion through persuasive mechanisms. One of the negative applications of this phenomenon has been the delegitimization of the revelation and explanatory discourses of divine prophets, especially the Last Prophet (PBUH). This study, using a descriptive-analytical method and relying on Quranic data, has examined and analyzed thirteen types of propaganda strategies of infidels and polytheists in contrast to the explanatory discourse of the Prophet of Islam (PBUH), which include: 1) learning the Quran from humans, 2) slandering God, 3) undermining the justice of the Prophet, 4) credulity, 5) claiming to be bewitched, 6) accusing them of magic and sorcery, 7) attributing madness, 8) describing them as liars and lying, 9) accusing them of having disturbed dreams, 10) attributing poetry, 11) mythologizing revelation, 12) accusing them of being priests, 13) attributing bad omens. The findings of the research indicate that the Holy Quran, in the face of these strategies, has risen to a comprehensive defense of the sanctity of prophethood in a logical and systematic manner and has invalidated each of these claims by providing solid answers and demonstrative implications.
<b>KEYWORDS:</b> Propaganda, Typology, Strategies, Prophet of Islam(PBUH), Quran.	
Received: 2025/08/23 Accepted:2025/10/23	
*Corresponding author: <a href="mailto:Reza42azad@gmail.com">Reza42azad@gmail.com</a>	
<b>How to cite this paper:</b> Nasrazadani, R., Abadi, A. Sharif askari, H., (2026). Typology of Propaganda Strategies Against the Explanatory Discourse of the Prophet of Islam (PBUH) in the Quran. Journal of culture and Islamic sciences. 10(5): 75-94.	
	<b>DOI: 10.22034/rjcis.2025.15391.1160</b>



## گونه‌شناسی راهبردهای پروپاگاندايي عليه گفتمان تبیینی پیامبر اسلام(ص) در قرآن

رضا نصرآزادانی<sup>۱\*</sup>، احمد عابدی<sup>۲</sup>، حسین شریف عسکری<sup>۳</sup>

۱- دانشجوی دکتری رشته علوم قرآن و حدیث، دانشکده اصول الدین قم، دانشگاه بین‌المللی علامه عسکری، قم، ایران

۲- دانشیار گروه فلسفه و کلام اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه قم، ایران

۳- استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده اصول الدین، دانشگاه بین‌المللی علامه عسکری، قم، ایران

اطلاعات مقاله	چکیده
<b>نوع مقاله:</b> علمی پژوهشی	در چارچوب نظری «جنگ شناختی»، پروپاگاندا ماثبه فرآیندی راهبردی برای مدیریت ادراک و جهت‌دهی به افکار عمومی از طریق مکانیسم‌های اقناعی تعریف می‌شود. یکی از کاربردهای سلبی این پدیده، مشروعیت‌زدایی از گفتمان‌های وحیانی و تبیینی پیامبران الهی، به‌ویژه پیامبر خاتم(ص)، بوده است. این پژوهش با روش توصیفی تحلیلی و با اتکا به داده‌های قرآنی، سیزده گونه از راهبردهای پروپاگاندايي کفار و مشرکین را، در تقابل با گفتمان تبیینی پیامبر اسلام(ص)، مورد واکاوی و تحلیل قرار داده است که عبارتند از: ۱. فراگیری قرآن از بشر؛ ۲. افترا به خداوند؛ ۳. ایجاد خدشه در عدالت پیامبر؛ ۴. زودباوری؛ ۵. ادعای جادوزدگی؛ ۶. اتهام به سحر و جادوگری؛ ۷. نسبت دادن جنون؛ ۸. توصیف به کذاب و دروغگویی؛ ۹. متهم کردن به دیدن خواب‌های آشفته؛ ۱۰. نسبت شاعری؛ ۱۱. افسانه‌پنداری وحی؛ ۱۲. اتهام کفایت؛ ۱۳. انتساب فال بد و شومی. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که قرآن کریم، در مواجهه با این راهبردها، به‌شیوه‌ای منطقی و نظام‌مند به دفاع همه‌جانبه از حرمت نبوت برخاسته و با ارائه پاسخ‌های متقن و دلالت‌های برهانی، هر یک از این ادعاها را باطل کرده است.
<b>واژگان کلیدی:</b> پروپاگاندا، گونه‌شناسی، راهبردها، پیامبر اسلام(ص)، قرآن	
تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۱	
* پست الکترونیکی نویسنده مسئول: <a href="mailto:Reza42azad@gmail.com">Reza42azad@gmail.com</a>	
<b>ارجاع:</b> نصرآزادانی، ر.، عابدی، ا.، شریف عسکری، ح.، ۱۴۰۴، گونه‌شناسی راهبردهای پروپاگاندايي عليه گفتمان تبیینی پیامبر اسلام(ص) در قرآن، پژوهش‌نامه فرهنگ و معارف دینی، ۱۰(۵)، ۷۵-۹۴.	

## ۱. مقدمه

پروپاگاندا به مجموعه‌ای از راهبردها و ابزارهای ارتباطی اطلاق می‌شود که با هدف نفوذ در افکار عمومی، تغییر باورها، یا تحریف واقعیت‌ها در خدمت اهداف خاصی، اعم از سیاسی، اجتماعی یا فرهنگی، به کار گرفته می‌شود. این پدیده به‌ویژه در بسترهای بحرانی نظیر جنگ‌ها یا رقابت‌های ایدئولوژیکی و سیاسی، نقش پررنگ‌تری ایفا می‌کند. در واقع، پروپاگاندا به‌عنوان یک مکانیسم تأثیرگذار، توسط نهادهای حکومتی، جریان‌های سیاسی و گروه‌های ذی‌نفع برای ترویج گفتمان‌های مطلوب و جهت‌دهی به ادراکات عمومی مورد استفاده قرار می‌گیرد. رسانه‌های جمعی، از مطبوعات و رادیو تا فضای مجازی، مهم‌ترین بسترهای اجرایی این راهبردها محسوب می‌شوند (همايون، ۱۳۷۴: ۸).

تاریخچه این پدیده نشان می‌دهد که از ادوار باستان تا عصر حاضر، قدرت‌مداران و جریان‌های سلطه‌گر همواره از ابزارهای تبلیغاتی برای تحریف حقایق، تخریب چهره مخالفان، و ممانعت از انتشار اندیشه‌های اصیل بهره برده‌اند (دادگران، ۱۳۸۴: ۱۱۹). در این میان، نیز بیشترین هجمه‌های پروپاگاندايي متوجه پیامبران الهی از جمله پیامبر اسلام (ص) قرار داده شد. این جریان‌ها جهت مانع‌تراشی از تبیین گران پیامبر اسلام (ص) با تبلیغات مسموم خود به مخدوش کردن چهره پیامبر اسلام (ص) روی آورده‌اند تا در نتیجه از رویکرد مردم به آن حضرت و گسترش اسلام جلوگیری نمایند. پژوهش حاضر با روش توصیفی تحلیلی، ضمن شناسایی و معرفی سیزده مورد از «گونه‌های مختلف پروپاگاندايي دشمنان در تقابل با گفتمان تبیینی پیامبر اسلام (ص)» به واکاوی و تحلیل پاسخ‌های قرآنی آن‌ها نیز پرداخته است. مطالعه و بررسی چنین تبلیغاتی، ضمن برملا نمودن استراتژی‌های پروپاگاندايي دشمنان بر علیه اسلام و قرآن کریم، شیوه‌های مقابله با چنین حملاتی را نیز برای مبلغین و تبیین‌گران امروزی فراهم خواهد آورد.

## ۲. پیشینه تحقیق

پس از ظهور اسلام در جزیره‌العرب و گسترش آن در بلاد مختلف، مورخین، سیره‌نویسان، اندیشمندان و علمای اسلام همت نموده با نگارش و تدوین کتاب‌هایی از قبیل «الکامل فی التاریخ» ابن اثیر، و «الطبقات الکبری» ابن سعد، سیره ابن هشام و کتاب «الصحیح من سیره النبی الأعظم» اثر سید جعفر عاملی، نسبت به ثبت وقایع و حوادث مختلف دوران رسالت و زندگی پیامبر اکرم (ص) اقدام نموده، آثار ارزنده‌ای را از خود به یادگار گذارده‌اند. در سال‌های اخیر نیز برخی نویسندگان این موضوع را مورد توجه قرار داده و مطالب ارزنده‌ای پیرامون آن نوشته‌اند. سید محمد معجبی حسینی در کتاب «پروپاگاندا و دین» (۱۳۹۵) ضمن بیان ارتباط پروپاگاندا و تبلیغات دینی، روش‌های مختلف رسانه‌ای برای ترویج یا تخریب پیام‌های دینی را مورد بررسی قرار داده است. محمدعلی بهبودی نیز در کتاب «تحلیل تطبیقی پیامبران در تاریخ» (۱۳۹۸) با مقایسه‌ی چگونگی تصویرسازی پیامبران در امت‌های مختلف، به تحلیل پروپاگاندايي منفی بر علیه آنان پرداخته است. علیرضا زارعی نیز در رساله خود با موضوع «بررسی پروپاگاندا در جوامع اسلامی و تأثیر آن بر تصویر پیامبران» (۱۳۹۶)، نقش پروپاگاندا را در شکل‌گیری یا تحریف

دیدگاه‌ها نسبت به انبیاء مورد توجه و بررسی قرار داده است. در همین راستا ناصر قاسمی نیز در مقاله‌ای با عنوان «پروپاگاندا و پیامبران: بررسی تأثیر تطبیقی رسانه‌ها» (۱۴۰۰)، به تبیین نقش رسانه‌ها و پروپاگاندا، در ترویج یا تخریب پیامبران الهی پرداخته است. با بررسی آثار یاد شده نیز معلوم گردید در هیچ کدام از آن‌ها، به طور مستقل و به شکل تحلیلی به موضوع «گونه‌شناسی راهبردهای پروپاگاندا» دشمنان در تقابل با گفتمان تبیینی پیامبر اسلام (ص)» پرداخته نشده است.

با توجه به مطالب یاد شده؛ تمایزات اصلی این پژوهش با دیگر آثار را می‌توان در چهار محور: ۱. گونه‌شناسی؛ ۲. تمرکز در مورد خاص؛ ۳. ارائه تحلیل دووجهی - راهبرد- پاسخ- و ۴. رویکرد گفتمان‌محور خلاصه نمود. این وجوه تمایز، اثر حاضر را از آثار تاریخی صرفاً توصیفی و نیز از تحقیقات معاصر با دامنه موضوعی گسترده و کلی‌تر، متفاوت ساخته، بر ارزش علمی و نوآوری آن می‌افزاید.

### ۳. ضرورت تحقیق

از دیرباز «پروپاگاندا» به عنوان یک راهبرد هدفمند و سیستماتیک با رویکرد تبلیغات منفی بر علیه پیامبران الهی مورد توجه دشمنان بوده است. با ظهور اسلام، این گونه تبلیغات، از سوی کفار و مشرکین، متمرکز بر شخصیت پیامبر اعظم (ص) شد. یافته‌ها نشان می‌دهد که این رویکرد تاکنون نیز به انحاء مختلف ادامه یافته و در عصر حاضر نیز، با بهره‌گیری از امکانات نوین رسانه‌ای و در قالب جنگ شناختی، با شدت و وسعتی بی‌سابقه در جریان است. چنانکه گفته شد؛ هدف نهایی از تبلیغات پروپاگاندا، ایجاد شبهه در اعتقادات و افکار عمومی، تخریب چهره پیامبر اکرم (ص) و قرآن کریم و در نهایت، ضربه زدن به بنیادهای اسلام و حتی دیگر مذاهب می‌باشد. از آنجا که خدای متعال آن حضرت را به عنوان الگوی حسنه برای هر عصر و نسلی قرار داده است (احزاب: ۲۱)، ایجاب می‌کند گونه‌های مختلف تبلیغات پروپاگاندا، کفار و مشرکین علیه پیامبر اکرم (ص) و همچنین پاسخ‌های مستدل قرآنی آن مورد واکاوی و توجه قرار داده شود. بدیهی است، این گونه یافته‌ها را می‌توان به عنوان یک «نظام دفاع شناختی مبتنی بر وحی»، در برابر جدیدترین تکنیک‌های پروپاگاندا، دشمنان در جنگ‌های نرم امروزی مورد توجه و بررسی قرار داد.

### ۴. مفهوم‌شناسی، نتایج و یافته‌ها

«پروپاگاندا» از ریشه «پروپاگیت» گرفته شده و به معنای «پراکنده» و «گسترش» است (دهخدا، ۱۳۸۳: ۲۲۲۹). اصطلاح «پروپاگاندا» برای نخستین بار در سال ۱۶۲۲ م. توسط گریگوری (پاپ پانزدهم) قرار داده شد (اسدی، ۱۳۷۱: ۱۹۱). این واژه که از ریشه «پروپاگاره» مشتق شده است به معنی «پخش»، «نشان» و «شناساندن» است که در حقیقت به سه مرحله؛ کاشت، داشت و برداشت اشاره دارد (محسنیان‌راد، ۱۳۸۴: ۳۲۴). طبق این بیان می‌توان گفت؛ «پروپاگاندا» فرایندی است که با تکنیک‌های خاص (تبلیغاتی) توسط دولت‌ها، احزاب، سازمان‌ها یا یک گروه فشار برای تغییر رفتار جامعه و تأثیر بر آن‌ها به کار برده می‌شود (همایون، ۱۳۷۴: ۸۰-۸۵). این فرآیند، در جهت

مثبت یا منفی آن، در گذشته از طریق رسانه‌های مختلف ارتباط جمعی از قبیل؛ رادیو، تلویزیون، مجلات و روزنامه‌ها و... صورت می‌پذیرفت و در دنیای مدرنیته امروزی نیز، علاوه بر موارد یاد شده، از طریق بنگاه‌های تبلیغاتی، ماهواره‌ها و فضا‌های مجازی اجرایی می‌شود.

### یافته‌ها و تجزیه و تحلیل داده‌ها

به گواه تاریخ، قبل از اسلام، در دوران جاهلی، اوضاع فرهنگی، مذهبی، اجتماعی و اقتصادی جهان به‌ویژه جزیره‌العرب، به دلیل وجود اعتقادات شرک‌آلود، پرستش‌بت‌ها و خدایان متعدد، ادیان تحریف شده یهودیت و مسیحیت و همچنین ساختارهای قومی و قبیله‌ای، دوران بسیار آشفته و اسفناکی داشت (یعقوبی، ۱۳۵۸، ج ۱: ۲۷۲-۲۷۸). با ظهور اسلام، کفار، مشرکین و منافقین موقعیت خود را در خطر دیده، با تبلیغات پروپاگاندایی خود، ضمن تخریب پیامبر اکرم(ص)، قرآن کریم و مکتب نوظهور اسلام را نیز مورد هجوم حملات خود قرار دادند. بررسی‌ها و مطالعات تاریخی گویای آن است که این گونه‌هاجمه‌های تبلیغاتی، نه تنها به دلیل مسائل اعتقادی و باورهای دینی، بلکه به علت تهدیدی که اسلام برای ساختارهای قدرت و نظام‌های سلطه در زمان حیات پیامبر اسلام(ص) داشته، صورت گرفته است. خداوند متعال نیز در قرآن کریم ضمن بیان نمونه‌های فراوانی از راهبردهای پروپاگاندایی دشمنان بر علیه پیامبر اکرم(ص)، پاسخ‌های مستدل و غیر قابل انکاری نیز به آن‌ها داده است که در پژوهشی که صورت گرفت سیزده مورد از مهمترین آن‌ها احصاء و به شرح زیر مورد واکاوی و تحلیل قرار داده شد.

#### ۱.۴. فراگیری قرآن از بشر

طبق نص صریح آیه شریفه «وَلَقَدْ نَعَلْمُ أَنَّهُمْ يَقُولُونَ إِنَّمَا يُعَلِّمُهُ بَشَرٌ» (نحل/۱۰۳). کفار و مشرکین مکه جهت تخریب چهره پیامبر اکرم(ص) و همچنین وحیانی بودن آیات قرآنی؛ بین مردم ایجاد تردید کرده می‌گفتند: پیامبر اسلام(ص) معاذالله آیات قرآنی (الفاظ یا معانی و معارف آن‌را) را از کسی دیگر آموخته، و اکنون، به دروغ، به خدا نسبت می‌دهد(ر.ک: طباطبائی، ۱۳۸۷، ج ۱۲: ۵۰۱).

#### ۱.۱.۴. پاسخ قرآن کریم

علازغم اینکه خداوند در چندین نوبت، نزول قرآن مجید را به خود نسبت داده(قدر: ۱ و...) وچنین ادعاهایی را مردود دانسته، در ادامه آیه یاد شده نیز، با توجه دادن به تمایز بین زبان قرآن کریم و زبان کسی که قرآن را به او نسبت می‌دهند، ضمن به چالش کشیدن مشرکان، در پاسخ آن‌ها فرمود:

«لَسَانُ الَّذِي يُلْحِدُونَ إِلَيْهِ أَعْجَمِيٌّ وَ هَذَا لِسَانٌ عَرَبِيٌّ مُبِينٌ إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ لَا يَهْدِيهِمُ اللَّهُ وَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (نحل: ۱۰۳-۱۰۴). زبان آن کس که این قرآن را به او نسبت می‌دهند اعجمی است و این قرآن به زبان عربی فصیح و روشن است. البته آنان که به آیات خدا ایمان نمی‌آورند. خدا هرگز هدایتشان نخواهد کرد و آن‌ها را عذابی دردناک خواهد رسید.

علاوه بر این، خداوند ضمن بیان چگونگی نزول قرآن کریم، جهت تأکید، به عربی بودن آن نیز اشاره داشته و می‌فرماید:

«وَإِنَّهُ لَنَزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ وَإِنَّهُ لَفِي زُبُرِ الْأُولِينَ أَوْ لَمْ يَكُنْ لَهُمْ آيَةٌ أَنْ يَعْلَمَهُ عُلَمَاءُ بَنِي إِسْرَائِيلَ» (شعراء: ۱۹۲-۱۹۷). و این قرآن به حقیقت از جانب خدای عالمیان نازل شده. جبرئیل آن را نازل گردانیده و آن را بر قلب تو فرود آورده تا از عقاب خدا بترسانی، به زبان عربی فصیح و (ذکر عظمت) این قرآن در کتب انبیاء پیشین مسطور است. آیا این خود آیت و برهان روشنی نیست که علماء بنی اسرائیل بر این قرآن آگاهند؟

#### ۲.۱.۴. تحلیل و بررسی

با توجه به مضامین آیات یاد شده (و برخی از آیات مشابه دیگر)، پاسخ چنین ادعاهایی از چند جهت قابل تحلیل و بررسی می‌باشد:

الف. بر اساس شأن نزول آیه شریفه ۱۰۳ سوره نحل و طبق نظر مفسرین، کفار و مشرکین مدعی بودند که پیامبر اکرم (ص) الفاظ قرآن کریم را نزد اشخاصی مانند سلمان فارسی یا یعیش یا غلام رومی یا عائش آموخته است. قرآن کریم با اشاره به نوع گویش و زبان افراد یاد شده چنین ادعایی را مردود دانسته است، زیرا این گونه افراد توجه ندارند، زبان کسی که قرآن را به او نسبت می‌دهند عجمی و غیر فصیح بوده است، در حالی که این قرآن به زبان عربی فصیح و آشکار نازل شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۱: ۴۰۸).

ب. با توجه به آیات (۱۹۲-۱۹۷ سوره شعراء) نیز خداوند ضمن اشاره به عربی بودن زبان قرآن کریم، نزول آن را توسط فرشته وحی به خود نسبت داده است. در همین راستا نیز، با اشاره به یادآوری آن در کتب پیشینیان، آگاهی و اطلاع علماء بنی اسرائیل را بر این امر مهم شاهد آورده است.

ج. علاوه بر مطالب یاد شده، با توجه به اینکه خداوند با نزول آیه شریفه «إِنَّا نَحْنُ نُزَّلْنَا الدُّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ» (حجر: ۹)، تأکیدات فراوان، نزول قرآن کریم و همچنین محافظت آن را به خود نسبت داده، از این طریق تمام ادعاهای بی‌اساس معاندین را باطل نموده است.

#### ۲.۴. افتراء زدن به خداوند

به نقل قرآن کریم، هرگاه آیه جدیدی نازل یا حکمی از جانب خداوند نسخ می‌شد، کفار و مشرکین با وقاحت، پیامبر اسلام (ص) را به افتراء بستن به خداوند متعال متهم کرده می‌گفتند: «إِنَّمَا أَنْتَ مُفْتَرٍ» (نحل: ۱۰۱). تو بر خداوند همواره دروغ می‌بندی.

#### ۱.۲.۴. پاسخ قرآن کریم:

خداوند متعال با نزول ده‌ها آیه در قرآن کریم پاسخ چنین اتهاماتی را داده (یونس: ۳۷-۳۸، یوسف: ۱۱۱، انبیاء: ۵، فرقان: ۴-۵، سجده: ۳، سبأ: ۳-۴۵، نحل: ۱۰۲)، از جمله چنین کسانی را به تحدی دعوت کرده می‌فرماید: «أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُوْرٍ مِّثْلِهِ مُفْتَرِيَاتٍ وَادْعُوا مَنْ اسْتَعْظَمْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ، فَإِلَّا يَسْتَجِيبُوا

لَكُمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّمَا أُنزِلَ بِعِلْمِ اللَّهِ...» (هود: ۱۳-۱۴). آیا کافران می‌گویند این قرآن را خود او به هم بافته و به خدا نسبت می‌دهد؟! بگو: اگر راست می‌گویید شما هم با کمک همه فصحای عرب بدون وحی خدا، ده سوره برافته مانند این قرآن بیاورید. پس هر گاه کافران جواب شما را ندادند در این صورت بدانید که این کتاب به علم خدا نازل شده است.

#### ۲.۲.۴. تحلیل و بررسی

از جمله مسائل مربوط به اعجاز قرآن کریم «تحدی» است. «تحدی» در لغت از «حدو، حداء و حدی» گرفته شده و به معنی دعوت نمودن دشمن به هم‌آوردی و پیروزی بر اوست (خرمشاهی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۴۸۱). خداوند متعال در چندین آیه از قرآن کریم از جمله آیه شریفه یادشده (هود: ۱۳)، کفار و مشرکینی که پیامبر اسلام(ص) را متهم به دروغ‌گویی نموده به تحدی دعوت کرده از آن‌ها می‌خواهد ده سوره همانند آیات قرآن را بیاورید. با توجه به اینکه معاصرین نزول قرآن کریم و حتی اقوامی که تا به امروز روی کار آمده‌اند تاکنون از انجام چنین کاری عاجز بوده‌اند؛ روشن می‌شود که چنین عملی اصولاً از بشر ساخته نبوده و نخواهد بود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۹: ۳۷-۳۸)، علاوه بر این از جمله «فَالَمْ يَسْتَجِيبُوا لَكُمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّمَا أُنزِلَ بِعِلْمِ اللَّهِ» نیز که نزول قرآن به علم الهی نسبت داده شده می‌توان یقین حاصل نمود که این قرآن جز از ناحیه خداوند بر پیامبر اسلام(ص) نازل نشده است (طباطبائی، ۱۳۸۷، ج ۱۰: ۲۵۵).

مطالب یاد شده حاکی از آن است که قرآن کریم جهت پاسخ به ادعای مشرکان به جای بحث نظری، یک آزمون عینی و عملی پیشنهاد می‌کند. ناکامی همیشگی مخالفان در طول تاریخ برای آوردن حتی کوچک‌ترین مشابهی برای قرآن، بهترین گواه بر این است که این کلام نمی‌تواند ساخته بشر باشد. این چالش (تحدی) که در آیات دیگر به آوردن حتی یک سوره نیز کاهش می‌یابد (یونس: ۳۸)، محکم‌ترین پاسخ برای رد اتهام افترا به پیامبر اکرم(ص) است و ثابت می‌کند قرآن «بِعِلْمِ اللَّهِ» نازل شده است.

#### ۳.۴. ایجاد خدشه به عدالت پیامبر اکرم(ص)

تقسیم ناعادلانه صدقات و زکات از سوی برخی از دشمنان (ابوالجواز)، افتری و تهمت دیگری بود که به ساحت مقدس پیامبر اسلام(ص) زده می‌شد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۷: ۴۵۵). خداوند متعال نیز در قرآن کریم به این موضوع اشاره کرده می‌فرماید: «وَمِنْهُمْ مَّن يَلْمِزُكَ فِي الصَّدَقَاتِ فَإِنْ أُعْطُوا مِنْهَا رَضُوا وَإِنْ لَمْ يُعْطُوا مِنْهَا إِذَا هُمْ يَسْخَطُونَ» (توبه: ۵۸). و بعضی از آن مردم منافق در (تقسیم) صدقات بر تو اعتراض و خرده‌گیری کنند، اگر به آن‌ها از آن عطا شود رضایت داشته و اگر از آن چیزی به آن‌ها داده نشود سخت خشمگین شوند.

#### ۱.۳.۴. پاسخ قرآن کریم

خدای متعال جهت پاسخ به چنین ادعایی فرمود: «وَلَوْ أَنَّهُمْ رَضُوا مَا آتَاهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ سَيُؤْتِينَا اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَرَسُولُهُ إِنَّا إِلَى اللَّهِ رَاغِبُونَ» (توبه: ۵۹). و چقدر بهتر بود اگر آن‌ها به آنچه خدا و رسول به آن‌ها عطا کردند راضی بودند و می‌گفتند که خدا ما را کفایت است، او و هم رسولش از لطف عمیم به ما عطا خواهند کرد،

ما تنها به خدا مشتاقیم.

#### ۲.۳.۴. تحلیل و بررسی

کلمه "عدل" در لغت نقیض جور است (فراهیدی، ۱۴۲۱، ج ۲: ۱۲۹) و به حد متوسط بین افراط و تفریط، مساوات معنی شده است (زبیدی، ۱۳۸۵، ج ۱۵: ۴۷۱). امیرالمؤمنین، علیه السلام، نیز «عدل» را اینگونه معنی کرده‌اند: «الْعَدْلُ يَضَعُ الْأُمُورَ مَوَاضِعَهَا» (نهج البلاغه، حکمت ۴۳۷: ۵۹۶). عدل کارها را به موضع خود قرار می‌دهد. از دیدگاه اسلام، خدای متعال از یک سو، عالم هستی را، تکویناً، بر اساس عدل خویش بنا نهاده (مجلسی، ج ۷۸: ۸۳) و از سوی دیگر، تشریحاً، همگان را به عدل و احسان دعوت نموده می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ» (نحل: ۹۰) و از سوی سوم؛ انبیاء خویش را یکی پس از دیگری مبعوث فرمود تا در جامعه به اقامه قسط و عدل پردازند (حدید: ۲۶).

از آنجایی که پیامبر اعظم (ص) به مصداق آیه شریفه «الْكُفْمُ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (احزاب: ۲۱) عالی‌ترین و والاترین الگوی کمالات انسانی و مظهر عدالت در تمامی ابعادش بوده است، دشمنان اسلام نیز، چنین امری را برنرفته در صدد ضربه زدن به ساحت مقدس آن حضرت برآمده، به هنگام تقسیم صدقات و... از فرصت استفاده کرده، به ایشان تهمت ناروا می‌زدند. در پاسخ به چنین اتهامی نیز خداوند با بیان جمله «وَلَوْ أَنَّهُمْ رَضُوا مَا آتَاهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ» دادن صدقات و زکات را به خود و پیامبر اسلام (ص) نسبت داده و ساحت مقدس پیامبر اکرم (ص) را از آن تهمت ناروا مبرا نموده است. مضاف بر این که رسالت پیامبر اکرم، صلی‌الله‌علیه‌وآله، را در راستای رفع تبعیض‌ها و ایجاد عدالت در جامعه معرفی کرده (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۲۲: ۱۱۲) می‌فرماید: «وَلَوْ أَنَّهُمْ رَضُوا مَا آتَاهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ» (شوری: ۱۵). و بگو که من به کتابی که خدا فرستاد ایمان آورده‌ام و مأمورم که میان شما به عدالت حکم کنم.

با توجه به مطالب یاد شده می‌توان گفت از منظر قرآن کریم، اتهام و خدشه به نبی مکرم اسلام (ص)، کسی که به فرموده الهی، مظهر «أسوة حسنة» و مجری عدالت در جامعه است، با ظلم و بی‌عدالتی در تناقض کامل بوده و به طور حتم ساحت مقدس پیامبر (ص) از چنین اتهامی مبرا می‌باشد.

#### ۴.۴. زودباوری (أذُن)

حلم و صبوری پیامبر گرامی اسلام (ص) بعضاً باعث این می‌شد که برخی منافقین دائماً آن حضرت را مورد آزار قرار داده، وی را، معاذالله، به ساده‌لوحی و زودباوری معرفی کرده، به طور مدام می‌گفتند: «هُوَ أَذُنٌ» (توبه: ۶۱)، یعنی او شخص ساده و زودباوری است (طباطبائی، ۱۳۸۷، ج ۹: ۴۲۲).

#### ۱.۴.۴. پاسخ قرآن کریم

جهت رد چنین اتهام ناروایی، خداوند به پیامبر اکرم (ص) فرمود به آن‌ها پاسخ داده بگوید: «قُلْ أَدُنُّ خَيْرٌ لَّكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ يُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ رَحْمَةً لِلَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْكُمْ وَ الَّذِينَ يُؤَدُّونَ رَسُولَ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (توبه: ۶۱). بگو زودباوری او لطفی به نفع شماست، که به خدا ایمان آورده و به مؤمنان هم اطمینان دارد و برای مؤمنان شما

وجودش رحمت است و برای آن‌ها که رسول را آزار دهند عذابی دردناک مهیاست.

#### ۲.۴.۴. تحلیل و بررسی

کلمه «اذن» به معنی گوش است، و به کسانی که به حرف مردم زیاد گوش می‌دهند، و به اصطلاح "گوشی" می‌باشند نیز این کلمه اطلاق می‌شود. در این آیه شریفه نیز چنانکه از مضامین استفاده می‌شود سخن از کسانی است که با سخنان خود پیامبر اسلام را آزاد داده می‌گفتند؛ آن حضرت، معاذالله، انسان خوش‌باوری است. تحلیل و بررسی دقیق این موضوع نشان می‌دهد که این ویژگی پیامبر(ص)، در واقع نقطه قوت ایشان محسوب می‌شود؛ زیرا از این طریق پیامبر(ص) جهت حفظ آبروی آن‌ها، در مرحله اول به ظاهر به سخنان آنان گوش فراداده و آن‌ها را انکار نمی‌کند؛ اما بنا بر جمله «يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ يُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ رَحْمَةٌ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْكُمْ» در مقام عمل، آن حضرت تنها به فرمان‌های خدا و پیشنهادهای و سخنان مومنین راستین گوش فرامی‌دهد (طباطبائی، ۱۳۸۷، ج ۹: ۴۲۲؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۸: ۱۵-۱۶). بنابراین، باید اذعان نمود، از منظر قرآن کریم این صفت نه نشانه سادگی، بلکه نشانه ایمان به خدا و اعتماد به مؤمنان و موجب رحمت برای آنان بوده است.

#### ۵.۴. جادوزدگی

جادوزدگی از جمله تهمت‌ها و افتراهای دیگری بود که معمولاً به پیامبر اکرم(ص) زده می‌شد (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۱۴: ۱۴۷). خداوند در آیات متعددی از قرآن کریم به چنین تهمت‌هایی که از سوی برخی مشرکین زده می‌شد اشاره کرده (فرقان: ۷-۸) از جمله می‌فرماید: «نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَسْتَمِعُونَ بِهِ إِذْ يَسْتَمِعُونَ إِلَيْكَ وَ إِذْ هُمْ نَجْوَىٰ إِذْ يَقُولُ الظَّالِمُونَ إِن تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَّسْحُورًا» (اسراء: ۴۷). ما به خیالات باطلی که وقت شنیدن گفتار تو در دل خود می‌کنند، آگاه‌تریم و آن گاه که به رازگویی می‌پردازند و آن مردم ستمکار گویند که شما جز شخصی مفتون و سحرزده را پیروی نمی‌کنید.

#### ۱.۵.۴. پاسخ قرآن کریم

برخی مفسرین کلمه "مسحور" در آیه یاد شده را به معنی اسم فاعل گرفته، یعنی کسی که ساحران در عقل او تصرف نموده و باعث اختلال حواس او شده‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۵: ۳۰). چنین اتهامی از آنجا ناشی می‌شود که پیامبر اسلام(ص) سنت‌های خرافی جاهلیت را در هم شکسته و برخلاف مصلحت‌اندیشی‌های مشرکان گام برمی‌داشت. لذا در جواب جسارت‌های بی‌خردانه آنان خداوند فرمود: «أَنْظِرْ كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ الْأَمْثَالَ فَضَلُّوا فَلَا يَسْتَطِيعُونَ سَبِيلًا» (اسراء: ۴۸). بنگر تا چه نسبت‌ها به تو می‌دهند! پس گمراه شدند و هیچ راه خلاصی نمی‌یابند. واژه «مثل» در این آیه شریفه حکایت از بی‌عقلی و بی‌خردی مشرکان دارد (طباطبائی، ۱۳۸۷، ج ۱۳: ۱۵۸). خدای متعال با این بیان پاسخ دندان‌شکنی به مشرکان داده و در ادامه نیز به گمراهی آنان اشاره کرده می‌فرماید اساساً امیدی به هدایتشان نمی‌باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۲: ۱۴۵).

#### ۲.۵.۴. تحلیل و بررسی

جهت تحلیل پاسخ قرآن کریم به چنین اتهامی، نخست لازم است آیات (قبل و بعد) مرتبط با موضوع، مورد توجه

قرار داده شود. خدای متعال پیش از بیان رفتار و موضع‌گیری‌های این افراد؛ ضمن اشاره به سابقه ضلالت و گمراهی چنین افرادی (اسراء: ۴۵-۴۶) به تبیین رفتارها و موضع‌گیری‌های کفار در برابر پیامبر اسلام (ص) اشاره کرده که می‌گفتند: «وَ إِذْ هُمْ نَجْوَىٰ اِذْ يَقُولُ الظَّالِمُونَ اِنْ تَبِعُونَ اِلَّا رَجُلًا مَّسْحُورًا اَنْظُرْ كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ الْاَمْثَالَ فَضَلُّوا فَلَا يَسْتَطِيعُونَ سَبِيْلًا» (اسراء: ۴۷-۴۸). گفتند که شما پیروی نمی‌کنید مگر مردی را که سحر و شعبده از راهش برده است. بنگر تا چه داستان و مثل‌ها برای تو زدند؟ پس چنان گمراه شدند که دیگر هیچ راه رشد و هدایتی نتوانند یافت. در ادامه نیز بی‌اعتقادی آنان به معاد را از جمله عوامل گمراهی آنان دانسته می‌فرماید: «وَ قَالُوا اَنْذَا كُنَّا عِظَامًا وَ رُفَاتًا اَنْنَا لَمَبْعُوْثُوْنَ خَلْقًا جَدِيْدًا» (اسراء: ۴۹) و (کافران به معاد) گفتند: آیا ما چون استخوان پوسیده و غبار پراکنده شویم باز روزی از نو زنده و برانگیخته خواهیم شد؟

با بررسی و توجه به مضامین آیات یاد شده و همچنین آیات مشابه دیگر (فرقان: ۸-۹)، به خوبی می‌توان فهمید که ضعف اعتقادی مشرکان عامل اصلی گمراهی و موضع‌گیری آنان در برابر پیامبر اسلام (ص) بوده است. مضاف بر این که، از جمله «اَنْظُرْ كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ الْاَمْثَالَ» به خوبی می‌توان به سخنان سست و بی‌اساس مشرکان در مورد پیامبر اسلام (ص) پی برد. زیرا از کسی که راه را گم کرده و امیدی هم به بازگشت او نمی‌باشد، دور از انتظاری نیست که از روی بغض، جهل، تعصب و لجاجت به پیامبر اکرم (ص) نسبت‌های ناروا بزند (ر.ک. طباطبائی، محمد حسین، ۱۳۸۷، ج ۱۳: ۱۵۹).

#### ۶.۴. سحر و جادوگری

از آنجا که در زمان رسالت پیامبر اسلام (ص) سحر و جادوگری در میان مردم رونق زیادی داشت، مشرکین و کفار حجاز نیز فرصت را غنیمت دانسته، با تبلیغات پروپاگاندايي، کلام خداوند را «سحر» و گوینده آن را نیز «ساحر» می‌پنداشتند (انعام: ۷؛ طباطبائی، ۱۳۸۷، ج ۹: ۱۰). خدای نیز در قرآن چهره چنین افرادی را برملا کرده می‌فرماید: «الر تِلْكَ اٰیَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيْمِ، اَمْ كَانَ لِلنَّاسِ عَجَبًا اَنْ اَوْحَيْنَا اِلٰى رَجُلٍ مِّنْهُمْ اَنْ اَنْذِرِ النَّاسَ وَبَشِّرِ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا اَنْ لَّهُمْ قَدَمٌ صِدْقٍ عِنْدَ رَبِّهِمْ قَالَ الْكٰفِرُوْنَ اِنَّ هٰذَا لَسَاحِرٌ مُّبِيْنٌ» (یونس: ۱-۲). آیا مردم تعجب کردند از این که ما یکی از افراد آن‌ها را به وحی و رسالت خود برگزیدیم که خلق را بترسان و مؤمنان را بشارت ده که به راستی مقامشان نزد خدا رفیع است! کافران گفتند: این شخص ساحری آشکار است.

#### ۱.۶.۴. پاسخ قرآن کریم

با دقت در مضامین آیات یاد شده، درمی‌یابیم که خداوند به هنگام بیان ایده مشرکان، به طور ضمنی و پاسخ آنان را نیز داده فرمود: «الر تِلْكَ اٰیَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيْمِ... اَنْ اَوْحَيْنَا اِلٰى رَجُلٍ مِّنْهُمْ...» پس از آن نیز، ضمن اثبات ربوبیت خود بر عالم هستی، آنان را به عبادت و تبعیت از خویش دعوت نموده، تبعات سرپیچی از فرامینش را نیز به آن‌ها گوشزد کرده فرمود: «وَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا لَهُمْ شَرَابٌ مِّنْ حَمِيْمٍ وَ عَذَابٌ اَلِيْمٌ بِمَا كَانُوْا يَكْفُرُوْنَ» (یونس: ۳-۴) و آنان که کافر شدند به کیفر کفرشان به شرابی از آب جوشان دوزخ و عذابی دردناک معذب خواهند گشت.

#### ۲.۶.۴. تحلیل و بررسی

هرچند خداوند در جای‌جای قرآن کریم و به مناسبت‌های گوناگون از ساحت مقدس قرآن کریم و پیامبر اسلام(ص) دفاع نموده، با این وجود این گونه تهمت‌ها را نیز بی‌پاسخ نگذاشته؛ نخست، جهت تسلی قلب پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید: «وَلَقَدْ اسْتَهْزَيْتُمْ بِرُسُلٍ مِنْ قَبْلِكُمْ فَحَاقَ بِالَّذِينَ سَخِرُوا مِنْهُمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ» (انعام: ۱۰). پیش از تو هم امم گذشته پیغمبران خود را سخت استهزاء کردند، پس آنان را کیفر این عمل دامنگیر شد.

مضاف بر این که در آیات مورد بحث (یونس: ۱-۴)، چنانکه گفته شد، با تعبیری همچون «تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ... أَنْ أَوْحَيْنَا إِلَى رَجُلٍ مِنْهُمْ... إِنَّ رَبَّكُمْ اللَّهُ... يُدَبِّرُ الْأَمْرَ... إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا وَعَدَّ اللَّهُ حَقًّا... وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ شَرَابٌ مِّنْ حَمِيمٍ وَعَذَابٌ أَلِيمٌ...» مشرکان را به تفکر واداشته تا بلکه به خود آمده دست از تبلیغات سوء و افکار باطل خود بردارند (طباطبائی، ۱۳۸۷: ج ۱۰: ۱۰-۱۱). از مجموع مطالب یاد شده چنین استنباط می‌شود که قرآن مجید، چنین اتهامی را با تأکید بر حقانیت وحی، ارائه دلایل عقلی و توحیدی، و هشدار درباره عواقب دنیوی و اخروی پاسخ داده است.

#### ۷.۴. اتهام جنون

نسبت «جنون» به ساحت مقدس پیامبر اسلام(ص) ادعای ناروای دیگری بود که کفار روی آن پافشاری داشته، (اعراف: ۱۷۴، مؤمنون: ۲۳، سبأ: ۷) همواره تبلیغات سوء خود را نیز متوجه آن می‌نمودند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱: ۱۴). خدای متعال نیز گفته باطل آنان را به صراحت بیان کرده می‌فرماید: «وَقَالُوا يَا أَيُّهَا الَّذِي نُزِّلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ إِنَّكَ لَمَجْنُونٌ» (حجر: ۶). و کافران گفتند: ای کسی که (مدعی آنی که) قرآن از جانب خدا بر تو نازل شده تو(به) عقیده ما) محققاً دیوانه‌ای.

#### ۱.۷.۴. پاسخ قرآن کریم

در آیه شریفه یاد شده، کفار با نهایت گستاخی، جهت زیر سؤال بردن قرآن مجید، به پیامبر اکرم(ص) جسارت کرده با تأکید زیاد به وسیله «ان» و «لام قسم» وی را، معاذالله، مجنون خطاب نموده می‌گفتند: «إِنَّكَ لَمَجْنُونٌ». در مقابله با این ادعای سخیف نیز خدای متعال پاسخ‌های متعددی داده از جمله فرمود: «إِنَّا نَحْنُ نُزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ» (حجر: ۹). البته ما قرآن را بر تو نازل کردیم و ما هم آن را محققاً محفوظ خواهیم داشت.

#### ۲.۷.۴. تحلیل و بررسی

به دنبال استهزای کفار به ساحت مقدس پیامبر اسلام(ص) خداوند متعال، جهت دل‌داری به پیامبر(ص) از یک سو و اطمینان‌بخشی همه مسلمانان راستین از سوی دیگر، یک واقعیت بزرگ و پراهمیتی را ابراز داشته فرمود: «إِنَّا نَحْنُ نُزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ» (حجر: ۹). با توجه به نص صریح این آیه شریفه و آیات مشابه آن (فصلت: ۴۱-۴۲)، به خوبی می‌توان فهمید که گفته‌های پیامبر اکرم(ص) در مورد قرآن کریم، تماماً از سوی خداوند بوده و اتهامات واهی کفار در مورد پیامبر(ص) همگی بی‌اساس می‌باشد (طباطبائی، ۱۳۸۷، ج ۱۲: ۱۴۷). علاوه بر این‌ها خدای متعال در آیات دیگری، چنین تهمت ناروایی را از ساحت مقدس پیامبر(ص) بدور دانسته از جمله می‌فرماید: «أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا مَا بِصَاحِبِهِمْ مِّنْ جِنَّةٍ» (اعراف: ۱۸۴). آیا این مردم فکر نکردند که صاحب آن‌ها (یعنی پیامبر) هرگز جنونی

در او نیست؟

#### ۸.۴. کذاب و دروغگو

افتری و نسبت دادن دروغگویی به پیامبر اکرم (ص)، گونه دیگری از اتهاماتی بود که مشرکین از طریق تبلیغات پروپاگاندايي مطرح و بر انجام آن نیز تأکید فراوان داشتند. آنان گاهی شخص پیامبر گرامی (ص) را، معاذالله، به دروغگویی متهم کرده می‌گفتند: «إِنَّ هُوَ إِلَّا رَجُلٌ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا وَمَا نَحْنُ لَهُ بِمُؤْمِنِينَ» (مؤمنون: ۳۸). و این شخص جز آن که مردی است که دروغ و افترا بر خدا می‌بندد هیچ مزیتی ندارد و ما هرگز به او ایمان نخواهیم آورد. گاهی نیز قرآن کریم را دروغ و افترا دانسته می‌گفتند: «وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ هَذَا إِلَّا إِفْكٌ افْتَرَاهُ وَأَعَانَهُ عَلَيْهِ قَوْمٌ آخَرُونَ» (فرقان: ۴). و کافران گفتند این کتاب (که محمد وحی‌اش می‌شمرد) جز آن که به دروغ از خود فرابافته و دیگران (از اهل کتاب) نیز (در قصص و احکام) به او کمک کرده‌اند.

#### ۱.۸.۴. پاسخ قرآن کریم

خداوند در قرآن کریم ضمن بیان ایده و تفکر کفار، ابتدائاً در یک پاسخ کوتاه، سخن آنان را ظلمی بزرگ و ناحق دانسته می‌فرماید: «فَقَدْ جَاءُوا ظُلْمًا وَ زُورًا» (فرقان: ۴). البته این سخن کافران ظلمی بزرگ (درباره قرآن الهی) و نسبتی ناحق (در حق پیغمبر خدا) است. سپس در آیات بعدی از زبان پیامبر (ص) پاسخ آنان را مفصل‌تر داده فرمود: «قُلْ أَنْزَلَهُ الَّذِي يَعْلَمُ السِّرَّ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا» (فرقان: ۶). بگو: این کتاب را آن خدایی فرستاده که از اسرار آسمان‌ها و زمین آگاه است. هم او البته بسیار آمرزنده و مهربان است.

#### ۲.۸.۴. تحلیل و بررسی

در آیه چهارم سوره فرقان، خداوند از کفار و مشرکین با صفاتی همچون؛ ظالم و دروغگو یاد نموده است. ظالم از این نظر که پیامبر اعظم (ص)، مردی امین، پاک، راستگو و مورد اعتماد، را متهم به دروغ و افترای بر خداوند نموده و دروغگو از این نظر که گفته آنان نیز کاملاً بی‌پایه و اساس بود، چرا که پیامبر اسلام (ص) بارها آنان را به آوردن آیات و سوره‌هایی مانند قرآن کریم دعوت کرده بود (بقره: ۲۳، هود: ۱۳، یونس: ۳۸)، با این وجود آن‌ها در برابر تحدی پیامبر (ص) عاجز مانده بودند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۶: ۲۰). مضاف بر این نیز خداوند در ادامه، نزول قرآن کریم را به خود نسبت داده فرمود: «قُلْ أَنْزَلَهُ الَّذِي يَعْلَمُ السِّرَّ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» (فرقان: ۶). با این بیان نیز اعلان می‌دارد، این کتاب از سوی خدایی است که امور خفیه و بواطن امور آسمان‌ها و زمین را می‌داند (طباطبائی، ۱۳۸۷، ج ۱۵: ۲۵۱).

چنانکه ملاحظه شد قرآن کریم با بیان صفات بارز کفار، ظلم و دروغگویی، ابتدائاً به پرده‌برداری از شخصیت کاذب آن‌ها پرداخته، سپس ضمن اشاره به سابقه ناتوانی آنان در آوردن حتی یک آیه همانند قرآن کریم، در آیات متعددی نیز، نزول قرآن کریم را به خود نسبت داده تا بدین وسیله از پندار باطل کفار و مشرکین جلوگیری نموده، چنین ایده‌ای را از افکار عمومی بزداید.

#### ۹.۴ دیدن خواب‌های آشفته

طبق نقل قرآن کریم برخی از مشرکین با تبلیغات واهی آیات نازل بر پیامبر اکرم (ص) را از جمله خواب‌های پریشان و بی‌پایه و اساس دانسته می‌گفتند: «بَلْ قَالُوا أَضْغَاثُ أَحْلَامٍ» (انبیاء: ۵). بلکه این مردم گفتند که سخنان قرآن خواب و خیالی بی‌اساس است.

##### ۱.۹.۴. پاسخ قرآن کریم

خدای متعال در پاسخ به چنین ادعائی، از قرآن کریم با تعابیری هم‌چون: کتاب، قول ثقیل، کلام الله، ... یاد نموده (انعام: ۵۹، ۱۵۵، نمل: ۱، مزمل: ۵، بقره: ۷۵ و...). از طرفی نیز از پیامبر اکرم (ص) به عنوان دریافت‌کننده وحی یاد کرده است (نمل: ۶). با این حال با بررسی و دقت در ادامه آیه مورد بحث «بَلْ قَالُوا أَضْغَاثُ أَحْلَامٍ بَلِ افْتَرَاهُ بَلْ هُوَ شَاعِرٌ فَلْيَأْتِنَا بآيَةٍ كَمَا أُرْسِلَ الْأَوْلُونَ» (انبیاء: ۵) نیز به خوبی می‌توان فهمید که کفار با درخواست‌ها و سخنان ضد و نقیض خود دچار تحیر و آشفته‌گی بوده و گفته آنان در مورد پیامبر اکرم (ص) و قرآن کریم پایه و اساسی نداشته است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۳: ۳۵۶؛ طباطبائی، ۱۳۸۷، ج ۱۳: ۳۵۳).

##### ۲.۹.۴. تحلیل و بررسی

قرآن کریم در پاسخ به تهمت‌های ناروایی که کفار و مشرکین به ساحت مقدس پیامبر اسلام (ص) می‌زدند، پاسخ‌های کوبنده‌ی فراوانی داده است که در طول مباحث گذشته به برخی از آن‌ها اشاره گردید. در مورد پاسخ به شبه اخیر آنان که گفته‌های وحیانی آن حضرت را معاذالله «أَضْغَاثُ أَحْلَامٍ» می‌پنداشتند نیز می‌توان گفت؛ اولاً اعجاز ادبی و فصاحت و بلاغتی که در آیات قرآنی وجود دارد، با ادعای آنان مغایرت دارد، زیرا به گفته لغت‌شناسان و مفسرین «أَضْغَاثُ أَحْلَامٍ» به خواب‌های دروغ و باطلی گفته می‌شود که از قوه خیال نشأت گرفته و غالباً نیز مشبه و هیجانی بوده و به دلیل آشفته‌گی قابل تعبیر نیز نمی‌باشد (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۱۲: ۲۲۹؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۲: ۱۵۷؛ ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۳: ۳۶۳).

مضاف بر این که خداوند خواب‌های صادقی را به پیامبر (ص) نسبت داده می‌فرماید: «لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّؤْيَا بِالْحَقِّ لَتَدْخُلَنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ آمَنِينَ» (فتح: ۲۷). البته خدا صدق و حقیقت خواب رسولش را آشکار و محقق ساخت که در عالم رؤیا دید شما مؤمنان به خواست خدا البته به مسجد الحرام با دل ایمن وارد شوید. علاوه بر این نیز، چنانکه گفته شد، درخواست‌ها و حرف‌های ضد و نقیض آنان در آیه مورد بحث (انبیاء: ۵)، تزلزل فکری آنان را اثبات کرده، گفته‌های بی‌اساس آن‌ها را نیز باطل می‌کند.

#### ۱۰.۴. اتهام شاعری

از آنجا که در زمان بعثت پیامبر اکرم (ص) شعر و شاعری در میان عرب‌های جاهلی رونق فراوانی داشت (ابن خلدون، ۱۴۰۸: ۷۸۵)، برخی از سران مشرکین از این فضا استفاده کرده با تبلیغات پروپاگاندایی به پیامبر اکرم (ص) نسبت‌های ناروا داده می‌گفتند، معاذالله، وی شاعری مجنون است. به همین جهت در بین توده‌های مردم اینطور القاء می‌کردند که ما نباید به خاطر او از پرستش خدایانمان دست برداریم: «إِنَّهُمْ كَانُوا إِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ

يَسْتَكْبِرُونَ وَيَقُولُونَ أَأَنَا لَنَارِكُوا آلِهَتَنَا لَشَاعِرٍ مَّجْنُونٍ» (صافات: ۳۶-۳۵). آن‌ها بودند که چون لا اله الا الله به ایشان گفته می‌شد، سرکشی می‌کردند و می‌گفتند: آیا ما به خاطر شاعر دیوانه‌ای دست از خدایان خود برداریم؟ با این وجود، علی‌رغم تلاش‌های فراوان، چون نتوانستند به اهداف خود دستیابی پیدا کنند، ضمن پافشاری بر موضع خود می‌گفتند: منتظر می‌مانیم تا مرگ پیامبر (ص) فرابرسد. «أَمْ يَقُولُونَ شَاعِرٌ نَّبْرَصُ بِهِ رَبِّبَ الْمُتُونِ» (طور: ۳).

#### ۱.۱۰.۴. پاسخ قرآن کریم

خداوند در آیات فراوانی از قرآن کریم از ساحت پیامبر (ص) دفاع کرده (یس: ۶۹، صافات: ۳۵-۳۹، طور: ۳۰-۳۱ و...)، قرآن کریم را چیزی جز ذکر الهی ندانسته فرمود: «وَمَا عَلَّمْنَاهُ الشُّعْرَ وَمَا يَنْبَغِي لَهُ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَقُرْآنٌ مُّبِينٌ» (یس: ۶۹). و نه ما او را [یعنی محمد(ص)] شعر آموختیم و نه شاعری شایسته مقام اوست، بلکه این کتاب چیزی جز ذکر الهی و قرآن روشن بیان خدا نیست. در همین راستا نیز در سوره حاقه مجدداً به صورت مؤکد قسم یاد کرده می‌فرماید: «فَلَا أَقْسِمُ بِمَا تُبْصِرُونَ وَمَا لَا تُبْصِرُونَ إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَاعِرٍ قَلِيلًا مَّا تُوْمَنُونَ» (حاقه: ۳۸-۴۱). قسم به آنچه می‌بینید. و آنچه نمی‌بینید. که قرآن به حقیقت (وحی خدا) و کلام رسول بزرگواری است. و آن نه سخن شاعری است. (گرچه) اندکی از شما مردم به آن ایمان می‌آورید.

#### ۲.۱۰.۴. تحلیل و بررسی

اصولاً «شعر» زائیده افکار و تخیلات انسان است و گویای تخیلات، احساسات و هیجانات عاطفی است. در حالی که آیات قرآنی در عین زیبایی و جذابیت، کاملاً منطقی و مستدل بوده ضمن این که دارای یک محتوای عقلانی می‌باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۸: ۴۳۹). در آیه یاد شده نیز، خدای متعال با بیان جمله «وَمَا عَلَّمْنَاهُ الشُّعْرَ» می‌خواهد بفرماید: ما به او شعر نیاموختیم و جمله «وَمَا يَنْبَغِي لَهُ» نیز در مقام منت نهادن بر آن جناب است و می‌خواهد بفرماید: خدای سبحان رسول اسلام را از گفتن شعر منزّه داشته است (طباطبائی، ۱۳۸۷، ج ۱۷: ۱۶۱).

ضمن این که در معرفی برخی از شعراء می‌فرماید: «وَالشُّعْرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ أَلَمْ تَرَ أَنَّهُمْ فِي كُلِّ وَادٍ يَهِيمُونَ وَ أَنَّهُمْ يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ» (شعراء: ۲۲۴-۲۲۶) و شاعران را مردم جاهل گمراه پیروی کنند. آیا ننگری که آن‌ها خود به هر وادی حیرت سرگشته‌اند؟ و آن‌ها بسیار سخنان می‌گویند که یکی را عمل نمی‌کنند. مطالب یاد شده وجه تمایز شعر و شاعری را با کلام و حیانی پیامبر اسلام (ص) از چند جهت به اثبات می‌رساند:

الف. تمایز در ماهیت: شعر زاده تخیلات، احساسات و هیجانات انسانی و غالباً همراه با اغراق و خیال‌پردازی است، در حالی که قرآن دارای محتوای عقلی، منطقی و استدلالی در قالب نظم بی‌نظیر است؛

ب. تمایز در منشأ: شعر از ذهن بشر می‌جوشد، اما قرآن وحی آسمان است؛

ج. تمایز در عمل: قرآن کریم با اشاره به این که شاعران معمولاً به آنچه می‌گویند عمل نمی‌کنند «أَنَّهُمْ يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ» (شعراء: ۲۲۶) و این در حالی است که با معرفی پیامبر اکرم (ص) به عنوان اسوه حسنه (احزاب: ۲۱)، ضمن سفارش به تبعیت از او (نساء: ۵۹)، تطابق کامل گفتار و کردار وی را به عنوان یک رسول الهی ثابت می‌رساند.

#### ۱.۱.۴. افسانه پنداشتن وحی

همزمان با نزول قرآن مجید، کفار و مشرکین نیز با تبلیغات گمراه کننده و پروپاگاندايي خود تلاش نمودند تا آیات الهی و گفته‌های پیامبر اسلام(ص) را در بین مردم به عنوان «اساطیر» و افسانه‌های کهن معرفی نمایند(قلم:۱۵، مطففین:۱۳، انعام:۲۵، انفال:۳۱، نحل:۲۴، مؤمنون:۸۳، فرقان:۵ و...). خلاصه گفتار آن‌ها این بود که می‌گفتند؛ قرآن کریم افسانه‌های پیشینیان و حکایات سابقینی است که پیامبر(ص) خود از آن‌ها نسخه برداشته و (اصحابش) صبح و شام بر او املا و قرائت می‌کنند. «وَقَالُوا أَاسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ اَاَكْتَبَهَا فَهِيَ تُمْلَى عَلَيْهِ بُكْرَةً وَاَصِيلًا»(فرقان:۵).

#### ۱.۱.۱.۴. پاسخ قرآن کریم

چنانکه قبلاً نیز گفته شد، خدای متعال در آیات فراوانی، نزول قرآن بر پیامبر اکرم(ص) را به خود نسبت داده است(انعام:۹۲، ۱۵۵، یوسف:۲، ابراهیم:۱ و...). چنانکه پس از نقل ادعاهای باطل مشرکان، در پاسخ آن‌ها فرمود: «قُلْ اَنْزَلَهُ الَّذِي يَعْلَمُ السِّرَّ فِي السَّمَاوَاتِ وَاَلْاَرْضِ اِنَّهُ كَانَ عَفُوْرًا رَّحِيْمًا»(فرقان:۶). بگو: این کتاب را آن خدایی فرستاده که از اسرار آسمان‌ها و زمین آگاه است. هم او البته بسیار آمرزنده و مهربان است.

#### ۲.۱.۱.۴. تحلیل و بررسی

در آیه شریفه یاد شده (فرقان:۵) تناقضی در گفتار و ادعای مشرکین به چشم می‌خورد که از طریق آن می‌توان به بطلان ادعای آنان پی برد. زیرا آنان از یک سو می‌گفتند؛ قرآن افسانه‌های گذشتگان و نوشته‌های کهنه‌ای است که حضرت محمد(ص) از روی آن‌ها استنساخ کرده است و از سوی دیگر مدعی بودند قرآن کریم را دیگران به او یاد داده و صبح و شام بر او املاء می‌کنند و این در حالی بود که می‌دانستند آن حضرت نوشتن را از کسی نیاموخته است(طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۱۷: ۱۸۴). مضاف بر این نیز خداوند پاسخ گزافه‌گویی‌های آنان را داده می‌فرماید: «قُلْ اَنْزَلَهُ الَّذِي يَعْلَمُ السِّرَّ فِي السَّمَاوَاتِ وَاَلْاَرْضِ»(فرقان:۶). بگو: این کتاب را آن خدایی فرستاده که از اسرار آسمان‌ها و زمین آگاه است. با توجه به مطالب یاد شده و صراحتی که در این آیه شریفه دیده می‌شود، باید اقرار نمود چنین کتابی، مولود علم کسی است که آگاه از اسرار آسمان و زمین است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۵: ۲۳).

#### ۱.۲.۴. متهم نمودن پیامبر اسلام(ص) به کفایت

در دوران جاهلیت برخی از مردم که از هوش سرشاری برخوردار بودند، خود را به عنوان «کاهن» معرفی کرده مدعی بودند که از طریق «اجنه» از اخبار غیبی باخبر می‌شوند. آنان با این ترفند مردم را سرگرم کرده، به اغفال آن‌ها می‌پرداختند(مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۲: ۴۴۴). در چنین فضایی با ظهور اسلام نیز، برخی از مشرکان قریش جهت پراکنده ساختن مردم از اطراف پیامبر اکرم(ص)، به آن حضرت تهمت ناروا زده، گاهی کاهنش می‌خواندند، و گاهی هم مجنون و... (طباطبائی، ۱۳۸۷، ج ۱۹: ۶۷۵).

#### ۱.۱.۲.۴. پاسخ قرآن کریم

در پاسخ به چنین اتهاماتی، اولاً بایستی اذعان نمود که پیامبر اکرم(ص) در میان مردم فردی ناشناخته نبود، آن حضرت از عقلای بزرگ جامعه و امین مردم محسوب می‌شد. توده‌های مردم نیز آن حضرت را به عنوان «صاحب»

و همنشین خوبی می‌دانستند (اعراف: ۱۸۴). با این وجود چگونه ممکن است به یکباره به ایشان چنین تهمت ناروایی بزنند؟ (ر.ک. مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۷: ۳۷)، خدای متعال نیز چنین اتهام باطلی را نسبت به پیامبرش صراحتاً رد کرده می‌فرماید: «فَذَكِّرْ فَمَا أَنْتَ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ بِكَاهِنٍ وَلَا مَجْنُونٍ» (طور: ۲۹). پس (ای رسول ما، خلق را) متذکر ساز که به نعمت پروردگارت از جنون و کفایت هیچ در تو نیست. آنگاه برای تثبیت و تفهیم بیشتر این موضوع فرمود: «إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ... وَلَا بِقَوْلِ كَاهِنٍ قَلِيلًا مَا تَدَّكُرُونَ تَنْزِيلٌ مِّنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (حاقه: ۴۰-۴۳). قرآن به حقیقت (وحی خدا و) کلام رسول بزرگواری است و نه حرف کاهن غیبگوست. (گر چه) اندکی از شما مردم متذکر حقایق آن می‌شوید.

#### ۲.۱۲.۴. تحلیل و بررسی

کفایت در معنی اصطلاحی آن عبارت است از خبر دادن از امور پنهانی و غیبی که از طریق ارتباط شخص «کاهن» با شیاطین و جنیان حاصل می‌شود (علامه حلی، ۱۴۱۴، ج ۱۲: ۱۴۵). در مکتب اسلام چنین کاری اساساً حرام است و رجوع به کاهن و تصدیق او، و همچنین آموزش دادن و آموختن و گرفتن اجرت بر آن نیز حرام می‌باشد (نجفی، ۱۳۶۲، ج ۲: ۹۰). علی‌رغم چنین احکامی، خداوند نیز ضمن تبرئه نمودن پیامبر اکرم (ص) از چنین اتهاماتی (طور: ۲۹، حاقه: ۴۰-۴۳)، نزول قرآن را به خود نسبت داده (جاثیه: ۲، احقاف: ۲، شعراء: ۱۹۳، قدر: ۱ و...)، در دفاع از پیامبر اسلام (ص) فرمود: «تَنْزِيلٌ مِّنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ لَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ فَمَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ عَنْهُ حَاجِزِينَ» (الحاقه: ۴۳-۴۷). این قرآن تنزیل خدای عالمیان است و اگر [محمد (ص)] از دروغ به ما برخی سخنان را می‌بست، محققاً ما او را (به قهر) از یمینش می‌گرفتیم و رگ و تینش را قطع می‌کردیم و شما هیچ یک بر دفاع از او قادر نبودید.

بدیهی است، با دقت در آیات و مطالب یاد شده از جمله؛ حکم تحریم کفایت در اسلام، انتساب صریح نزول قرآن کریم از سوی خداوند متعال، تأکید بر شخصیت والا و قابل اعتماد پیامبر اکرم (ص) و همچنین تهدیدات الهی و... به سستی و بطلان این اتهام نسبت به ساحت مقدس پیامبر (ص) پی خواهیم برد.

#### ۱۳.۴. متهم نمودن پیامبر اکرم (ص) به بدیمنی (تطیر)

نص صریح آیات قرآنی حاکی از آن است که مخالفین انبیاء الهی، همواره اتفاقات و پیشامدهای خوب را به خود نسبت می‌دادند و در مقابل، حوادث و اتفاقات ناگوار را به پیامبران الهی نسبت داده، آنان را به بدیمنی (تطیر) و فال بد متهم نموده می‌گفتند: «فَإِذَا جَاءَتْهُمْ الْحَسَنَةُ قَالُوا لَنَا هَذِهِ وَإِنْ تُصِيبُهُمْ سَيِّئَةٌ يَطَّيَّرُوا بِمُوسَىٰ وَمَنْ مَعَهُ» (اعراف: ۱۳۱). پس هر گاه که نیکویی (و پیشامد خوشی) بدان‌ها می‌رسید به شایستگی خود نسبت می‌دادند و هر گاه بدی (و پیشامد ناگواری مانند قحط و سختی) بر آن‌ها می‌آمد فال بد به موسی و همراهانش می‌زدند.

به گفته مورخان در جامعه‌ی عرب پیش از اسلام نیز چنین پدیده‌ای رونق فراوانی داشته (جواد علی، ۱۹۷۶، ج ۶: ۷۸۹) و باعث گردید که در زمان ظهور اسلام نیز، برخی از مشرکان چنین نسبت‌های ناروایی را به پیامبر اکرم (ص) بزنند (ر.ک. طباطبائی، ۱۳۸۷، ج ۵: ۸). کما اینکه در حوادث پیش آمده ی جنگ احد، مشرکین فرافکنی کرده به

پیامبر اکرم(ص) نیز نسبت ناروا زده می‌گفتند، معاذالله، این حادثه یعنی شکست و کشته و زخمی شدن سپاهیان، به خاطر بدیمنی ایشان بوده است. خدای متعال در شرح این ماجرا می‌فرماید: «أَيُّمَا تَكُونُوا يُدْرِكُكُمْ الْمَوْتُ وَلَوْ كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُّشِيدَةٍ وَإِنْ تُصِبْهُمْ حَسَنَةٌ يَقُولُوا هَذِهِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَإِنْ تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌ يَقُولُوا هَذِهِ مِنْ عِنْدِكَ» (نساء: ۷۸). هر کجا باشید اگر چه در کاخ‌های بسیار محکم، شما را مرگ فرا رسد و آنان را اگر خوشی و نعمتی فرا رسد گویند: این از جانب خداست و اگر زحمتی پیش آید گویند: این از جانب توست؟

#### ۱.۱۳.۴. پاسخ قرآن کریم

خدای متعال در پاسخ به چنین ادعای باطلی می‌فرماید: «قُلْ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ فَمَا لِهَؤُلَاءِ الْقَوْمِ لَا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ حَدِيثًا مَا أَصَابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللَّهِ وَمَا أَصَابَكَ مِنْ سَيِّئَةٍ فَمِنْ نَفْسِكَ وَأَرْسَلْنَاكَ لِلنَّاسِ رَسُولًا وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا» (نساء: ۷۸-۷۹). بگو: همه از جانب خدا است. چرا این قوم از فهم هر سخن دورند؟! هر چه از انواع نیکویی به تو رسد از جانب خداست و هر بدی رسد از خودِ توست و ما تو را به رسالت برای مردم فرستادیم و تنها گواهی خدا کافی است.

#### ۲.۱۳.۴. تحلیل و بررسی

واژه «طیر» (پرنده)، به معنای فال بد زدن و فال بد گرفتن می‌باشد (راغب اصفهانی، ۱۳۸۳ش: ۳۱۰). از نظر اسلام تطیر و فال بد زدن عمل شرک آلودی است که از انجام آن نهی شده است. چنانکه پیامبر اسلام(ص) فرمود: «الطيرة شرک» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۵: ۳۲۲). طبق این روایت، اساساً، فال بد زدن نوعی شرک به خداوند محسوب می‌شود و با یکتاپرستی واقعی در تضاد است. به همین جهت خدای متعال در قرآن کریم ضمن بیان طرز تفکر این گونه افراد، چنین ادعاهایی را در مورد پیامبر(ص) مردود دانسته است (طبرسی ۱۴۰۳، ج ۵: ۲۴۹؛ طباطبائی، ۱۳۸۷، ج ۵: ۸). در مورد سخنان بی‌پایه و اساس آن‌ها به شخص پیامبر(ص) نیز فرموده: «وَأَرْسَلْنَاكَ لِلنَّاسِ رَسُولًا وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَ مَنْ تَوَلَّى فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا» (نساء: ۷۹-۸۰) و ما تو را به رسالت برای مردم فرستادیم، و تنها گواهی خدا کافی است. هر که رسول را اطاعت کند خدا را اطاعت کرده، و هر که مخالفت کند (کیفر مخالفتش با خداست و) ما تو را به نگهبانی آن‌ها نفرستاده‌ایم. با دقت در مطالب یاد شده و همچنین توجه به مضامین این آیات شریفه مشاهده می‌کنیم که چگونه خداوند متعال با گواهی و انتساب رسالت پیامبر اسلام(ص) به خودش، تبعیت و مخالفت با او را نیز در ردیف خود دانسته و ادعاهای باطل مشرکین را باطل کرده است.

## ۵. نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش در قرآن کریم نشان‌دهنده آن است که در مقابله با گفتمان تبیینی ارشادی پیامبر اکرم (ص)، مخالفین آن حضرت از «پروپاگاندا» به عنوان یک دکترین و مکانیسم راهبردی استفاده می‌کردند. هدف اصلی آن‌ها نیز، نه گفت‌وگوی ایدئولوژیک، که تخریب شخصیت پیامبر اکرم (ص) و ایجاد تردید و شبهه در میان توده‌ی مردم بوده تا از این طریق، مشروعیت و صداقت رسول خدا (ص) را زیر سؤال ببرند. بررسی‌ها نمایانگر آن است که پاسخ‌های قرآن به این گونه تبلیغات پروپاگاندایی، نیز صرفاً دفاعی نبوده، بلکه هویت‌بخش و تبیین‌کننده بوده است؛ به گونه‌ای که هر اتهامی را به فرصتی برای توضیح یک اصل اعتقادی تبدیل می‌کند. در این پژوهش سیزده مورد از مهم‌ترین گونه‌های «پروپاگاندا» که معارضان یعنی مشرکان، کافران و منافقان در برابر آن حضرت انجام داده بودند، شناسایی شد و به انضمام پاسخ اجمالی آن به شرح زیر بررسی و تحلیل گردید.

گونه‌شناسی راهبردهای پروپاگاندائی علیه گفتمان تبیینی پیامبر اسلام (ص) در قرآن:

ردیف	نوع	آیه	پاسخ قرآن	آیه
۱.	آموزش قرآن توسط بشر	نحل: ۱۳	نفی بر اساس ناهمخوانی زبانی و تأکید بر وحیانی بودن	نحل: ۱۰۳ حجر: ۹
۲.	افترا بستن به خداوند	نحل: ۱۰۱	تحدی (هم‌آوری) برای اثبات اعجاز و الهی بودن قرآن	هود: ۱۳-۱۴
۳.	تبعیض و بی‌عدالتی در تقسیم غنائم	توبه: ۵۸	تبیین معیار رضایت از قضای الهی و یادآوری اصل عدالت	توبه: ۵۹ شوری: ۱۵
۴.	زودباوری و «اُدُن» بودن	توبه: ۶۱	تبدیل اتهام به فضیلت (خیر خواهی) و هشدار به مخالفان	توبه: ۶۱
۵.	جادو شدن	اسراء: ۴۷	بیان گمراهی و انحراف فکری معترضان	اسراء: ۴۸
۶.	ساحر بودن	یونس: ۲	تبیین عظمت و حکمت آیات قرآن	یونس: ۱-۲
۷.	مبتلا به جنون	حجر: ۶	تأکید بر منشأ الهی قرآن و وعده حفظ آن	حجر: ۹

ردیف	نوع	آیه	پاسخ قرآن	آیه
۸	دروغگو و افترازن	مؤمنون: ۳۸	نسبت دادن قرآن به علم بی‌پایان الهی	فرقان: ۶
۹	متهم به دیدن خواب‌های پریشان (أضغاث أحلام)	انبیاء: ۵	تأیید راستینی رؤیای پیامبر توسط خداوند	فتح: ۲۷
۱۰	اتهام شاعری	طور: ۳۰	نفی مهارت شاعری و قاطعیت در تفکیک شعر از وحی	یس: ۶۹ حاقه: ۳۸-۴۱
۱۱	نقل افسانه‌های پیشینیان	فرقان: ۵	نسبت دادن قرآن به علم غیب الهی	فرقان: ۶
۱۲	کاهن و فالگیر بودن	طور: ۲۹	نفی کهنات و توصیف قرآن به کلامی والا	حاقه: ۴۰-۴۷
۱۳	متهم به شومی و فال بد	نساء: ۷۸	ارجاع همه حوادث به اراده الهی و تبیین قانون علّیت	نساء: ۷۸-۷۹

## منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه: الهی قمشه‌ای.
۲. نهج البلاغه (۱۳۸۳)، گردآورنده: سید رضی، ترجمه: محمد دشتی، قم: مؤسسه امیرالمؤمنین.
۳. ابن اثیر، عزالدین (۱۳۸۳ش)، الکامل فی التاریخ، ترجمه: عباس خلیلی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ سوم.
۴. ابراهیم مصطفی (۱۴۱۰ق)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، قاهره: دارالشرق، چاپ سوم.
۵. ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۴۰۸ق)، مقدمه تاریخ ابن خلدون، تصحیح: خلیل شحاده، بیروت: دارالفکر، الطبعة الثانية.
۶. ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ق)، معجم مقاییس اللغة، ج ۳، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول.
۷. ابن منظور، محمدبن مکرم (۱۴۰۴ق)، لسان العرب، بیروت: دارالفکر، چاپ دوازدهم.
۸. ابن سعد، محمد (۱۴۱۸ق)، الطبقات الکبری، چاپ ششم، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۹. ابن هشام، عبدالملک (۱۴۱۸ق)، السیره النبویه، ج ۳، بیروت: دارالکتب العربی، چاپ ششم.

۱۰. اسدی، علی (۱۳۷۱ش)، *افکار عمومی و ارتباطات*، تهران: انتشارات سروش، چاپ اول.
۱۱. آیتی، محمدابراهیم (۱۳۷۲ش)، *تاریخ اسلام*، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ پنجم.
۱۲. حلی، حسن بن یوسف (علامه حلی) (۱۴۱۴ق)، *تذکره الفقهاء*، قم: مؤسسه آل‌البتیت علیهم‌السلام لاحیاء التراث.
۱۳. خرماهی، بهاء‌الدین (۱۳۷۷ش)، *دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی*، ج ۱، تهران: انتشارات دوستان.
۱۴. جواد، علی (۱۹۷۶م)، *المفصل فی تاریخ العرب قبل الإسلام*، بیروت.
۱۵. دادگران، محمد (۱۳۸۴ش)، *افکار عمومی و معیارهای سنجش آن*، تهران: انتشارات مروارید.
۱۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۸۳ش)، *المفردات فی غریب القرآن*، تهران: المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية.
۱۷. زبیدی، سید محمد مرتضی (۱۳۸۵ش)، *تاج العروس من جواهر القاموس*، بیروت: دارالهدایه.
۱۸. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۸۷ش)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه: محمدباقر موسوی همدانی، قم: انتشارات اسلامی، چاپ هشتم.
۱۹. طباطبایی، سید محمد کاظم (۱۳۹۵ق)، *العروة الوثقی*، قم: دارالکتب الإسلامیه، چاپ ششم.
۲۰. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۰۳ق)، *مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن*، ترجمه: محمد بیستونی، قم: انتشارات اسماعیلیان، چاپ دهم.
۲۱. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۸۰ش)، *جوامع الجامع*، قم: دارالفکر، چاپ دوم.
۲۲. طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵ش)، *مجمع‌البحرین*، تحقیق: سید احمد حسینی، ج ۲، تهران: کتابفروشی مرتضوی، چاپ سوم.
۲۳. عاملی، جعفر مرتضی (۱۴۲۶ق)، *الصحيح من سيرة النبي الأعظم (ص)*، قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، سازمان چاپ و نشر.
۲۴. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۲۱ق)، *کتاب العین*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۵. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۶. محسنیان‌راد، مهدی (۱۳۸۴ش)، *ایران در چهار کهکشان ارتباطی*، تهران: انتشارات سروش، چاپ اول.
۲۷. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۰۰ق)، *پیام قرآن*، قم: انتشارات امام علی بن ابی‌طالب (ع)، چاپ اول.
۲۸. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱ش)، *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۲۹. نجفی، محمدحسن (۱۳۶۲ش)، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*، ج ۲۲، تحقیق: عباس قوچانی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ هفتم.
۳۰. همایون، محمدهادی (۱۳۷۴ش)، *تبلیغات؛ یک واژه در دو فرهنگ*، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
۳۱. یعقوبی، احمد بن اسحاق (۱۳۸۵ش)، *تاریخ یعقوبی*، بیروت: دارصادر.